

شیر

مهدی رن زاده



انتشارات
ارنواز

سرشناسه : رضازاده ، مهدی ، ۱۳۳۴.
 عنوان و نام پدیدآور : نت تن / مهدی رضازاده.
 مشخصات نشر : رشت: ارنواز، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۲۱-۹۰-۲ :
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : شعر فارسی — قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ۲ن ۱۴ض ۸۳۴۵ PIR
 رده بندی دیویی : ۸۱۶/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۲۵۸۶۰

نت تن مهدی رضا زاده

Rezazadehnia@yahoo.com

صفحه آرای طرح جلد : رسول پورمحمودی

ناشر : ساسان رضایی

ناشر : انتشارات ارنواز

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۳

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۲۱-۹۰-۲

قیمت : ۸۰۰۰ تومان

انتشارات ارنواز ۰۱۳-۳۳۴۴۱۸۷۲

رشت - بلوار لاکان - روبروی شرکت گاز

E-Mail: Arnavazpub_1383@yahoo.com

فهرست اشعار

عنوان	صفحه
سالک	۹
شمس شیرین	۱۰
بیم روز تماشا	۱۱
نمها تن بوی	۱۲
آذرین	۱۳
گونه های - رک سبب	۱۴
رقص بی هنگام	۱۵
باغ های جهان	۱۶
آغوش های همیشگی	۱۷
خیال تازه	۱۸
باران آتش	۱۹
آن نت غریب	۲۰
زبان باد	۲۱
کف آب	۲۲
ب . ب گربه ی وحشی	۲۳
ختم	۲۶
من ها	۲۷
دستی در آستین	۲۸

۲۹	تپش‌های دیدنی
۳۰	لاشه
۳۱	تماشایم کن
۳۲	سر بر شانه‌های خیال
۳۳	استیج تیز
۳۴	شکوه درخت
۳۵	رامشگر
۳۶	رفتار در گفتار
۳۷	عرق ریزی
۳۸	دیدار
۳۹	سپید
۴۰	خاک
۴۱	نفس‌های ریخته
۴۲	به هم که می‌رسیم
۴۳	شور شعر
۴۴	تب
۴۵	رفتار در باران
۴۶	از هیچ
۴۷	نت تن ۱۲ شعر
۵۲	چشمه

۵۳	 خیال این دست‌ها
۵۴	 آيسان
۵۵	 زمان
۵۶	 انتظار
۵۷	 در نيك كلمه‌ها
۶۰	 شعله
۶۱	 فراموشي
۶۲	 نفس
۶۳	 صعود
۶۴	 منظر
۶۵	 رفتار آب
۶۶	 يك انتظار
۶۷	 باد يا توفان
۶۸	 شرارت
۶۹	 روي يا بيداري
۷۰	 فاصله‌ها
۷۱	 چراگاه بوسه
۷۲	 هوای مغلوب
۷۳	 تفكر بلند
۷۴	 رخداد

۷۵	زمهریر
۷۶	شعبده
۷۷	بازی هوس
۷۸	خواب، رویا
۷۹	مدیس
۸۰	ها
۸۱	توب
۸۲	در گم گم مرگ
۸۳	کدام سو؟
۸۴	از کشف تا شهود
۸۵	در برهنگی متن
۸۶	نفس‌های مرگ
۸۷	زاویه‌ها
۸۸	راه‌ها - درها
۸۹	بی بن بست
۹۰	تن تن مطمئن
۹۱	پیچک
۹۲	حرکت
۹۳	صورت زیبا
۹۴	ماه نیمه

پیش درآمد

شعرهای من همیشه از فکر تراوش نمی‌کند. تمام خلجان من از تن است. تنی که پاره‌های اش را می‌گستراند. هر بند تکه‌ای است از من. من دیروز که امروز را نفس می‌زند به امید فردا فردایی که آیا کسی این پاره‌ها را به هم خواهد دوخت؟!...

همه نیازم به پستانی پوستی است که گاه بر تن می‌کنی چرا فروکش نمی‌کند نیازم به جوانی که جوان‌تر از جوانی من است.

خاکستری‌ام بین برف‌ها را از لایه‌هایم تکانده‌ام. در هیبت درختی سترگ بال‌هایم را گشوده‌ام. در حرارت لخت نگاه تو برنزه می‌شوم. پوستی را بر تن می‌کنم که داشته‌ام با خال‌کوبی‌های اغواگر...

هنوز آغازی تازه‌ست مرا با «وُلف» که با سنگ‌هایی در جیب فرو رفت در آب، او می‌ماند مثل بکارت تازه‌ای که در نوجوانی از او دزدیده شد. با متنی‌هایی که از آن‌ها شاخه‌های

یأس می‌رویند و پایان نمی‌گیرند؛ مثل تراوشات ذهنی
 « پروست » « ریتسوس » « کوندرا » « کافکا » « رمبو » و ...

هنوز از شکسته‌های سنگ گور « بامداد » صدا می‌آید.
 صدایی که پایان ندارد. این خاک نیست که در آغوش اوست و
 این بامداد نیست که در آغوش خاک است. شعرهای ناگفته‌ای
 است تا آسمان دیگر داشته باشیم.

زندگی کرده‌ام. همین « رویا » که در رویایم با من یکی است.

... و « نصرت » بود که در آغوشم. تنها تنهایی در کنارش
 بودند که رهایش نکردند.

هنوز پر است آغوشم از برگ‌هایی چیده شده در بسیاری
 همین برگ‌هاست که تمام آن ناتمام مانده‌اند.

لذت یک شروع را با خود به پایین کشیده‌ام.

پله به پله آمده‌ام پایین

همین پایینی که پایان نمی‌گیرد.